

مکتوباتی از علمای امامیه هند

علی فاضلی

۱. مکاتیب غفران مآب به فرزندان صاحب ریاض پس از وفات وی

مقدمه

مکاتیب حاضر را سید دلدار علی نقوی نصیر آبادی معروف به غفران مآب (م ۱۲۳۵) پس از وفات استادش سید علی طباطبائی صاحب ریاض المسائل به فرزندش سید محمد طباطبائی معروف به سید مجاهد (م ۱۳۴۲) و یک نامه را خطاب به فرزند دیگرش سید مهدی طباطبائی (م ۱۲۹۰) نگاشته است. در نامه نخست وی که اولین نامه اوست به سید مجاهد، در حقیقت نامه و تسلیت وفات صاحب ریاض به سید مجاهد است.

تصحیح این مکاتیب بر اساس مجموعه ای نفیس از کتابخانه سید دلدار علی غفران مآب در لکهنو که تصویری از آن در مجمع الذخائر و مؤسسه کتابشناسی شیعه محفوظ است صورت گرفته است.

[تعزیت نامه صاحب ریاض از جانب غفران مآب^۱]

مخلص مشتاق و داعی وفاق، بعد از اتحاف تحیات لا تحصی ولا تعد، و پس از اهدای تحف ائینه زاهره بیرون از حد، منکشف خاطر خطیر، و منطبع ضمیر صفا تخمیر باد از آنجا که به مقتضای الطاف و عنایات بی غایات جوایای حالات مخلص صمیم بر نهج قدیم بوده باشند. الحمد لله که مجاری احوال محبّ بی ریا به فضل ربّ البرایا، و به یمن ادعیه قدسیه امثال آن ملکی خصال، إلی الآن مستوجب صنوف محامد و انواع ستایش جناب ربّ الأرباب، و به هر حال اعتدال عنصر شریف و مزاج لطیف آن هر^۲ مرکز دایره کمالات انسیه، و قطبی فلک معارف قدسیه، لیلاً و نهراً، سرّاً و چهاراً، از حضرت مجیب الدعوات بأحسن الوجوه مطلوب و مستدعی می دارد او تعالی و تبارک مقرون به اجابت نموده رونق خواهش داعیان یک رنگ تا امکان بقا از مکاره زمان پر دغا مصون داشته، چمنستان قلوب احباب را به باد بهاری الطاف آن برگزیده آفاق سر سبز و شاداب دارد بمحمد و آله الأجداد.

دیر است^۳ که قاصد سبک سیر صحیفه رأفت لفیفه که به مصقله ارادت جمال مصداق نصف الوصال زنگ زدای^۴ آلام ایام و مهاجرت از آئینه دلهای احباب نگردید، آری از واردین بلده استفسار اخبار اختیار می رود، و از خارج صحاح مزاج و چگونگی احوال دریافته اطمینان بخش خاطر می شود. درین آوان کربت توأمان که اسباب سرور از ما مردم به مراحل دور گشت

۱. از حاشیه نسخه و به خط کاتب نسخه نیست.
۲. کذا.
۳. کذا.
۴. در نسخه: رنگ زدای.

به عوارض عدیده روحانی و جسمانی گرفتار بودم که ناگهان خبر وحشت اثرات تحال جناب مغفور سید^۵ المجتهدین (أسكنه في أعلا عِلّین) أعني جناب آقا سید علی طباطبائی (طاب ثراه و جعل الجنة مثواه) از دار فنا به دار بقا صر صر وار در رسید، و مجموعه هوش و حواس را یکبار به باد فنا داد، و خانه صبر و طاقت را از پا در آورد، چه پیچ و تابى که بردلها نرسید؛ و کدامی^۶ خوار المی که در جگرها نخلید، لکن درین امر ناگزیر تخییر^۷ صبر چه چاره و تدبیر، «أنا أشكو بتي و حزني إلى الله تعالى»^۸.

مخلص صمیم را از صُحبان^۹ يك جهت تصوّر فرموده تا وقتی که او تعالی شأنه نه باردگر غشاوه مهاجرت را به ملاقات جسمانی رفع فرماید، و تمنای دل با حسن الوجوه میسر آید به دست قاصدان این بلاد به ارسال صحایف الاتحاد طمأنینت بخش خاطر حزین باید بود. سابق در رقیمه کریمه در باب خرجه^{۱۰} مصارف کتابت و مقابله شرح کبیر شرحی نوشته بودند بدین عبارت که:

خرجه آن مبلغ سیصد و شانزده قروش ریالی و سه تفلسی شده که هر يك قروش و نیم ریالی صرافان يك روپیه می شود، و از قرار گفته صراف مبلغ دو صد و یازده روپیه الی انه^{۱۱} شده که عبارت از شصت دکرى روپیه بوده باشد که طلب داعی می شود چو^{۱۲} جزو است و ناقابل و کم می خواهد که با عدم قابلیت آن جناب مخدومی ام ازین بی بضاعت به رسم نذر قبول فرمایند و مخلص خود را رهین منتهای خود نماید. انتهى عبارت تکم الشریفة.

ملاذاً مطاعاً از آنجا که نذر و تحف می باید که امثال ما مخلصان به خدمت و الا ارسال داشته باشم نه آنکه امر بالعکس باشد، أعنی ما را نمی باید که متوقع چنین تصدیعات از جناب سامی بوده باشم، علاوه آنکه کاش مساعدت دنیا که ما ینبغی به ملازمان حاصل می شد این امر جزوی قابل اعتنا نمی بود، لکن حال کثرت اخراجات و عیال، لا سیمادر آن امکان متبرکه معلوم است. چنین تصدیع بر دل صحبت منزل مخلص ناگوار بوده لهذا مبلغ شصت و دو روپیه حواله جناب معظم، أعنی مرزا جعفر علی فصیح (سلمه الله) نموده ام که به ملازمان خواهند رسانید، ترقب که رسید آن بر نگارند. زیاده به جز اشتیاق ملاقات چه نگارد.

[تعزیت نامه صاحب ریاض از جانب غفران مآب «ره»]

همواره حدایق شرائع اسلام، و ریاض مسایل حلال و حرام، به آبیاری جد و اجتهاد آن نتیجه اُتمّه اُنام، و نقاوه علمای عظام، ثمره شجره علم و کمال، سالک مسالك وصل و افضال، غره ناصره عزّ و علا، قرّه باصره مجد و بها، بدر کامل اوج سیادت، صدر عالی قدر مسند افادت، مهر منیر آسمان رفیع المکانی، کوکب درّی فلك والا دودمانی، ذو الرتبة العلیة والقوة القدسیة والدرجة السنية والسجیة الرضیة، علامی فهامی وحید الأیامی، مُخضّر و ریان باد برب العباد. به استماع خبر جان گزای هوش ربای حسرت افزای وفات مولانا و مقتدانا، ناطوره^{۱۳} العلماء والمتفقهین، سید الفقهاء والمجتهدین، کاشف دقایق معقول و منقول، واقف حقایق فروع و اصول، الإمام الأئمعی والمجتهد^{۱۴} اللوذعی، الورع الکامل، والعالم العامل العامل، السید النبیل والفقیه الجلیل، سیدی وأستاذی ومن إلیه فی العلوم الدینیة استنادی، وأعلى الله مدارجه فی

۵. در نسخه: بسید.

۶. کذا.

۷. شاید این کلمه «بجز» خوانده شود.

۸. مقتبس از آیه ۸۶ سوره

مبارکه یوسف (۱۲).

۹. صُحبان جمع صاحب.

۱۰. ظاهر نسخه: «خرجه»

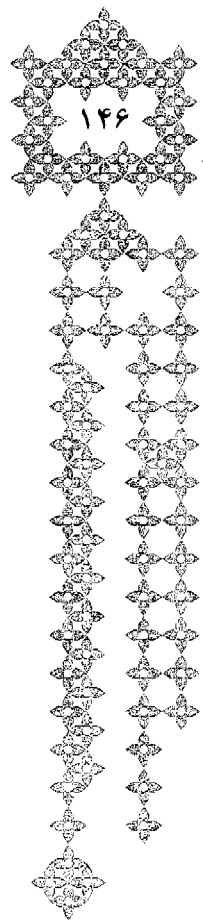
و نیز در مورد بعدی.

۱۱. بدون نقطه.

۱۲. کذا.

۱۳. در نسخه: ناطوره.

۱۴. در نسخه: الجهاد.



أعلى عليين، وأسكنه في جوار آبائه الطاهرين .

چه دشنه ها که بر جگر نرسید، و چه ناله ها که سر به آسمان نکشید، سینه های مخلصان به داغهای حسرت و ناکامی رشک لاله زار است، و دیده های محبان در عزای آن سحاب رحمت الهی چون ابر بهار گهر بار، روز روشن به دیده حق بینان از شب دیجور تاریک تر است، و حلاوت حیات با مرارت ممات نزدیک تر، شعله جواله نائره اندوه خرمن صبر دلها را پاک بسوخت، و داغ جگر سوز و فاتش در کانون سینه ها آتش بیقراری افروخت، و اسفاه^{۱۵} تاجدار ملک شریعت بود که به ارتحال خود قلوب مؤمنین را متحسر و ملول نمود، و آفتاب فلک هدایت بود که سالکان مسالک شریعت را به وادی حرمان حیران گذاشته به مغرب ملک بقا افول نمود، کیف لا، و قد درینا بأوستادنا^{۱۶} عن مولانا و امامنا أبي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام : «إذا مات المؤمن الفقيه^{۱۷} بكت عليه الملائكة وبقاع الأرض التي كان يعبد الله عليها، وأبواب السماء التي كان يصعد فيها بأعماله، وثلّم في الإسلام ثلّة لا يسدها شيء، لأن المؤمنين الفقهاء حصون الإسلام كحصن سور المدينة لها»^{۱۸}.

الله أكبر! عجب مصیبتی است عظمی، و رزیتی است کبری، «فإلى الله المشتكى، من دهر إذا أساء أصر على إساءته، وإن أحسن ندم عليه من ساعته»، و «إنما أشكوبتي وحزني إلى الله»^{۱۹}. دلی دارم از دست غم پاره پاره ولیکن به غیر از تحمّل چه چاره

الحق که در چنین رزایا تذکر مصایب آل عبا - علیهم آلاف التحية والثناء - لا سیمایا سید الشهداء مسکن قلوب ماتمیانست، و تأسی به ائمه انام بر همگنان^{۲۰} لازم و محتتم، «عظم الله أجورنا وأجوركم وجعلنا وإياكم من الصابرين»^{۲۱} «الذين إذا أصابتهم مصيبة قالوا إنا لله وإنا إليه راجعون»^{۲۲}. ایزد تقدس و تعالی شأنه اکنون عالم را به فیضان تعلیم و تدریس آن نتیجه الأطياب مستفید و کامیاب گرداند بمحمد و آلہ الأمجاد .

و درین ایام گرامی منش سعادت نشان عزیر القدر خلاصه الزوار مستقی مرزا جعفر علی فصیح که مرد سنجیده و مداح و مرثیه گوی جناب خامس آل عبا (علیه آلاف التحية والثناء) ست، و از اشراف و نجباء این دیار و به حلیه دینداری و لباس پرهیزگاری آراسته و پیراسته است، و درین بلاد به عزت و آبرو و امانت و دیانت اوقات به سر نموده، به مقتضای هدایت ازلی، و تأییدات لم یزلی، مشتاق زیارات عتبات عالیات گردیده إن شاء الله تعالی مع عیال مشرف می شود و سابق هم جریده و تنها در سینه یک هزار و دو بیست و هشت شرف زیارت حاصل نموده، و به خدمت مولانا جنت آشیانی^{۲۳} رسیده است، اکنون به این عزم خود را در آن زمین مقدس می رساند که مدت العمر مجاور آستان کزوبی پاسبان امام انام خامس آل عبا عليه السلام بوده باشد، هرگاه معزی^{۲۴} إلیه ادراك سعادت خدمت نماید رجا که توجّه و الطاف به حال مومی إلیه مرعی فرموده حسب الوسع دقیقه ای [از دقایق دلجوئی و خاطرداری نامرعی نفرمایند، و برای بود و باش اگر از خانه های وقفی، خانه خالی بوده باشد عنایت فرمایند، و در هر باب غریب الوطن و متوکل^{۲۵} تصوّر فرموده، در اعانت مومی إلیه حتی الإمكان بذل توجّه فرمایند والسلام والإکرام .

۱۵. در نسخه: و اسفاه .

۱۶. کذا .

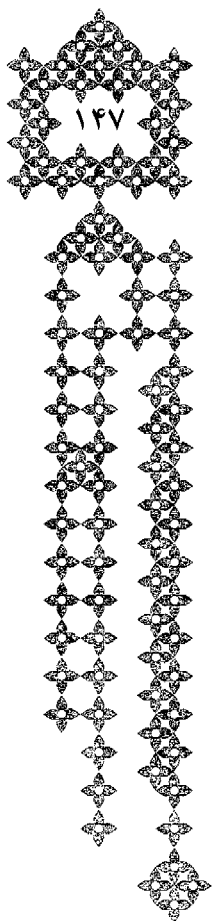
۱۷. کلمه «الفقيه» در مأخذ نیامده .
۱۸. الکافی، ج ۱، ص ۳۸، ح ۳، ج ۲، ص ۲۵۴، ح ۱۳، علل الشرائع، ص ۴۶۲، ح ۲، قرب الاسناد، ص ۱۲۴، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۲۸۳، باب ۸۸، ح ۱ .
۱۹. یوسف (۱۲) : آیه ۸۶ .

۲۰. کذا .

۲۱. البقرة ۲: ۱۵۶ .

۲۲. یعنی صاحب ریاض المسائل .
۲۳. کذا .





إن شاء الله از نظر شریف جناب سلالۃ الأقطاب، حقایق و معارف اکتساب، دوحه علم و کمال، سالک مسالك فضل و افضال، نتیجه ائمه انام، و نقاوه علماء عظام، علامی فهامی وحید الأنامی آقا سید محمد (زاد مجده و فضله) در آید.

[مکتوب غفران مآب^{۲۴}]

وقبل ازین، رقیمه متضمن تعزیت به واسطه بعضی اشخاص مرسل شده، اما چون وصول آن به خدمت شریف متعین نبوده لهذا باز به ترقیم آن پرداخته. و باعث جدید آن شد که مخدّره ای از دودمان عزّت و اعتلا مبلغ یک هزار و دوصدر و پیه به نیت خرید حوالی در کر بلائی معلی تا وقف مؤمنین و ابرار زوّار باشند بر آورده، خواست که به وساطت و تجویز داعی فرستادن مبالغ و خرید حوالی و تولیت آن مفوّض به یکی از صلحا [ی] آن دیار بوده باشد، لهذا مبلغ مذکور به اضافه دوصدر و پیه دیگر به خدمت بابرکت مرسل است، به مبلغ یک هزار و دوصدر و پیه مختصری از حوالی خرید فرموده وقف سادات و مؤمنین شود، و تولیت آن به یکی از خدام که وثوقش بر خاطر شریف محقق باشد فرمایند، و دوصدر و پیه باقی را به عالی جناب، فواضل ایاب، سلالۃ السادات العظام، نخبه^{۲۵} الفضلاء الفخام، حاوی صنوف کمالات، فائز قصبات السبق فی مضمار السعادات، جناب السید نظام الدین حسین - زاد مجده - خلف سید نجیب الدین مرحوم^{۲۶} که به قصد زیارات عتبات عالیات ألم مفارقت خود را به دوستان داده، چندگاه است که روانه شده اند، غالباً که به شرف زیارت مرقد مطهره - علی راقدها آلاف التحية - مشرف شده باشند، و جناب ایشان بسیار مرد صالح و تقوی شعارند، و در علم و عمل وحید، و اکثر اهالی هندوستان که مجاور از آن آستانهای عرش نشان اند از ایشان واقف اند، عنایت فرمایند. و اگر جناب ایشان در آن بلاد تشریف نداشته باشند آن مبلغ را به صلاح و تقدّس آثار مرزا حسن علی که مرّه ثانیه عازم زیارت شده اند و از جمله صلحای اتقیاى هند اند عنایت فرمایند.

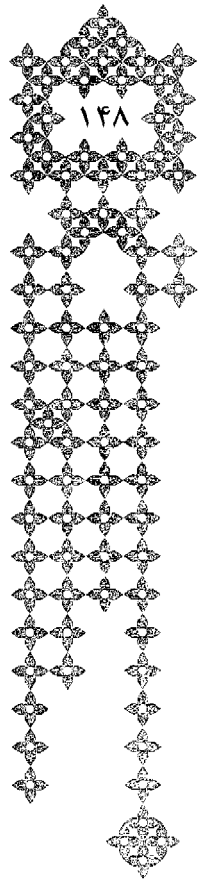
سید دلدار علی

اسم والد میرزا حسن علی جعفر علی متخلص به حسرت است، و اسم جدّ ایشان أبو الخیر. و رجاء واثق از محبت و لطف جناب سامی آنکه به اخبار اختیار میمنت آثار این دیار، و اطلاع احوال عافیت اشتغال، و وصول مبالغ مرسله و بلوغ آن به مصارف آن، طمأنینت بخش خاطر خلوص مأثر شوند. و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. مهر؛

(مکتوب جناب غفران مآب^{۲۷}) [به سید محمد طباطبائی، سید مجاهد]

اگر چه به مقتضای آنکه «الأرواح جنود مجنّدة فما تعارف منها ائتلف، وما تناکر منها اختلف»^{۲۸} جمیع مؤمنین را همدیگر ملاقات روحانی قبل از لقای جسمانی حاصل است، لکن داعی را با جناب سامی ملاقات صوری هم حاصل است. و تفصیل آن اینست که: وقتی که داعی به شرف زیارت مرقد مطهر جناب خامس آل عبا علیه السلام سعادت اندوز گردیدم، و اکثر اوقات به تقریب استفاده علوم دینی در خدمت عالی حضرت، علّیین مکانی جناب استادی مستفید می شدم، در آن حین جناب سامی به سنّ صبا بودند و از عمر شریف ده دوازده سال تقریباً گذشته باشد، معلوم نیست که در خاطر مانده یا نه، شاید این معنی را اگر از جناب عالی

۲۴. از حاشیه نسخه به خط کاتب نسخه نیست.
۲۵. در نسخه: نجبة.
۲۶. سید نظام الدین از اعظم تلامذه سید دلدار علی است و در منابع مختلف شرح حالش آمده از آن جمله: آئینه حق نما؛ تذکرة العلماء، ص ۳۱۸.
۲۷. از حاشیه نسخه که به خط کاتب نیست.
۲۸. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۸.
۲۹. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۸۰.
۳۰. ج ۱۸، ص ۵، ج ۲۴۱، ص ۲۶.



حضرت، والا منزلت، علامی فہامی آقا عبدالحسین ۲۹- دام عزہ - استفسار فرمایند، بہ شرط یاد نشان خواهند داد.

مسودہ خط دیگر :

إن شاء الله تعالى به شرف ملاحظه سلاله العلماء الفخام، ونخبه الفضلاء الكرام، عالی جناب فضایل مآب، حقایق و دقایق اكتساب، مكارم و فواضل انتساب، علامی فہامی وحید الأنامی آقا سید محمد (زید فضله) موصول باد. لاثنتی عشرة ليلة بقيت من محرم الحرام سنہ ۱۲۳۴. دائماً ذات ملكی صفات سلاله العلماء الفخام، ونخبه الفضلاء الكرام، متكى أريكه فضل و كمال، مربع نشین چار بالش مجدد و جلال، زینت بخش فضل و افادت، رونق افزای مسند زهاده ۳۱ و عبادت باد پر رب العباد.

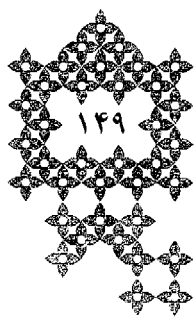
بعد اهدای هدیه تحیت ۳۲ سلام سنت الاسلام، و اتحاف تحف سنیه ادعیه سامیه و اثنیہ وافیه، مشهود رای بیضا ضیائی گرداند، از آنجا که از راه و فور محبت ایمانی و مودت روحانی جویای حال کثیر الاختلال محبت صادق المودت بوده باشند بحمد الله تا هنگام تحریر صحیفه الوداد حال مخلص قرین عافیت و مستوجب سیاس بی قیاس حضرت رب العزت است. درین اوان میمنت اقتران، سیادت و نجابت پناه سید تراب علی (سلمه الله تعالی) مشتاق زیارات عتبات عالیات عرش در جات مرقد ائمه معصومین (صلوات الله علیهم أجمعین) گردیده، رهگرایی آن سمت شده اند، و به ذریعه نامه خلوص به شرف لقای برکت انتمای ملازمان جناب شما سرمایه اندوز سعادت خواهند شد. توقع از لطف عمیم و کرم جسیم آن دارند که بر حال ایشان نظر توجه و الطاف کریمانه داشته از جمله مخلصین و محبتین محسوب فرمایند. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

[مکتوب غفران مآب ۳۳]

نقل خطی که به خدمت جناب مغفرت مآب آقا سید مهدی طباطبائی (طاب ثراه) نوشته اند :
به شرف عرض خدام والا مقام می رساند از قرار اخبار متشنته که حال ظهور مکروهات زمانه نسبت به ملازمان والا از طرف بعض از علماء سوء که متاع کاسد خود را به تلمیعات و تمویهات چند رونق داده اند و همج رعا باعث گرم بازاری شان گردیده اند بالجمال بر مرآت طبع داعی مرتسم گشته، و باعث توزع بال و مورث رنج و ملال گردیده، چون طبیعت اخلاص طویت همواره جویای حال خیر مآل ملازمان می باشد، بالخصوص بعد استماع این چنین حکایات زیاده تر نگران اخبار آن عالی تبار می باشد تحریک سلسله اخلاص به تحریر نیاز نامه لازم دانستم، و ازین مسافت بعید تدارکی که درین خصوص شایان اخلاص کیشان نبوده شد بغیر از دعای خیر صون از شر و ضراهل زیع از دست و زبان نیازمندان به ظهور نمی تواند رسید، والا چنانچه مقتضای اخلاص مندی دیرینه، و لازمه مودت راسخه سینه صداقت گنجینه بوده، یداً ولساناً، تحریراً و تقریراً، در ذب و دفع زیوف و اباطیل از حمای شریعت و علمای کرام که واقفان اسرار علی الحقیقتند می کوشند. والسلام علیکم وقلبی لیدیکم.

۲۹. آقا عبدالحسین فرزند
وحید بهبهانی است.
۳۰. در نسخه: نجبة. و
نیز در مورد بعدی.
۳۱. کذا.
۳۲. در نسخه: تهیه.
۳۳. از حاشیه نسخه که به
خط کاتب نسخه نیست.





۲. چند نامه از ممتاز العلماء و سلطان العلماء

آنچه در پی می آید، چند نامه از علمای امامیه هند است.

سه نامه نخست از ممتاز العلماء سید محمد نقوی (م ۱۲۸۹) فرزند سید العلماء سید حسین (م ۱۲۷۳) فرزند سید دلدار علی (م ۱۲۳۵) و نامه اخیر از سلطان العلماء سید محمد (م ۱۲۸۵) عمو و استاد ممتاز العلماء است.

دومین و سومین نامه خطاب به میر حامد حسین صاحب عبقات الأنوار (م ۱۳۰۶) است. نامه نخست در پی درخواست مفتی محمد عباس جزائری (م ۱۳۰۶) از ممتاز العلماء برای استجازه از استادش سید العلماء است.

از این نامه این چنین استنباط می شود که مفتی محمد عباس در خواست اجازه از ممتاز العلماء نیز داشته که باید آن را از قبیل استجازه اکابر از اصاغر دانست؛ زیرا ممتاز العلماء متولد ۱۲۳۴ و مفتی محمد عباس متولد ۱۲۲۴ است و او را از اساتذه ممتاز العلماء نیز بر شمرده اند.

سید العلماء اجازه ای پس از مطالعه کتاب روح القرآن (روائع القرآن) برای مفتی در ربیع الآخر ۱۲۷۲ (تقریباً یک سال قبل از وفات) نگاشته است و مؤلف و مؤلف را بسیار ستوده است، و به همراه روائع القرآن به چاپ رسیده و راقم سطور نیز آن را تصحیح کرده که ان شاء الله به چاپ خواهد رسید.

دانستن این نکته نیز خالی از لطف نیست که سید العلماء به سه تن اجازه داده است که دو نفر دیگر یکی فرزندش ممتاز العلماء و دیگری فرزند برادرش عمده العلماء سید محمد هادی است.

تصحیح این مکاتیب اربعه بر اساس مجموعه نفیس کتابخانه سید دلدار علی غفران مآب در لکهنو که تصویری از آن در کتابخانه مجمع ذخائر اسلامی و مؤسسه کتابشناسی شیعه نگه داری می شود انجام گرفته است.

ولله الحمد أولاً و آخراً کما ینبغي لکرم و جهة و عزّ جلاله.

مرداد ۱۳۸۹ / شعبان المعظم ۱۴۳۱

[نامه ممتاز العلماء به مفتی محمد عباس جزائری]

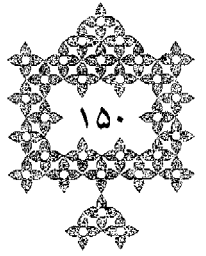
فاضل سعید - سلمکم الله تعالی و زادکم علماً و کمالاً.

بعد سلام سنّت اسلام واضح و لایح باد با وجود طوق اسقام و عروض آلام ملاحظه روح القرآن کردم و در مقاماتی که به نظر نحیف قابل اصلاح بودند اصلاح نمودیم و خدمت جناب والد علام

۱. سلطان العلماء نام این کتاب را به روائع القرآن فی فضائل ائمه الرحمن تغییر داده است. در تكملة نجوم السماء، ج ۲، ص ۲۷۱ آمده: روزی جناب مولانا مفتی سید محمد عباس صاحب طاب ثراه - تفسیر معنی خود پیشکش آن جناب نمودند. آن جناب پرسیدند: چیست ایشان؟ عرض کردند: روح القرآن. آن جناب قول ملای روم نقل فرمودند: من ز قرآن مغز را برداشتم. جناب مفتی صاحب نامش حسب ارشاد آن جناب به روائع القرآن مبدل ساختند. میرزا محمد مهدی لکهنوی کشمیری در تكملة نجوم السماء ج ۲، ص ۶۹ - ۷۰ درباره این کتاب نوشته است: کتابیست عظیم الشان جلیل المکان جلّی البرهان در فضائل عترة طاهرة حضرت نبی ائمه و علی الخصوص در فضائل مولانا امیر المؤمنین، قائد الغر المحجلین، امام البررة و قاتل الکفرة، مولی المشارق والمغارب، جناب علی بن ابی طالب - علیه الصلاة والسلام - که یکصد و سی و یک آیه در آن به روایات اهل سنت و تفاسیر ایشان مندرج است که علماء کبار و فضلاء اصحاب این فرقه از مطالعه آن مجبوج و ساکت مانده هیچکس را جرأت بر تحریر جواب حاصل نشده. عبارات شیرین و مضامین رنگین و اشعار لطیف و استعارات ظریفه و نکات ادبیه و لطایف عربیة که در آن مرقوم است مختبر فحول و مفرح عقول می باشد. کتاب مذکور هرگاه به مقام نجف اشرف - علی مشرفه السلام - به خدمت جناب مستطاب مشرفه السلام - شیخ مرتضی شوشتری انصاری حجة الاسلام شیخ مرتضی شوشتری بر سر رسید، با کمال تعظیم به دست گرفته بر سر گذاشتند و فرمودند که: «این هدیه سید محمد عباس ما می باشد، فخر ما است». این کتاب محض جمع و تألیف نیست بلکه محتوی است بر مطالب مهمه که از خزان طبع وقاد و ذهن نقاد مستخرج شده و در کتب متقدمین و متأخرین نظیر آن به نظر نمی رسد. مفتی محمد عباس این کتاب روح القرآن

کتاب شیعه ۱۱۱
سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹

اسناد، مکتوبات و تقریظات
مکتوباتی از علمای امامیه هند



مدّ ظلّه العالی - پیش کش نموده سعی بلیغ برای استجازه نمودم، امیدوارم که - إن شاء الله - اینجاک مأمول شود، لیکن نحیف تاکنون برای احدی اجازه نوشتن نه آینده خیا [دارم، معذور دارید.

اما وصیت می کنم به شما که اشتغال در شعر، انشا، این قدر مانع ذکر الهی شود ترك کنید؛ زیرا که مرجوحیت آن مخفی نیست، و اشتغال در فقه و حدیث و تفسیر موجب اجر و ثواب جمیل و عبادت ربّ جلیل است فقط.

سید محمد تقی بقلمه

[نامه ممتاز العلماء سید محمد تقی به میر حامد حسین]

فضیلت آثار مولوی حامد حسین صاحب (سلمه الله).

بعد سلام سنت اسلام واضح شود به سبب کثرت اشغال و ضعف و اضمحلال غیر از وقت تدریس فرصت نیست، خصوصاً برای کتب معقول، مناسب بود که در کتب فقهیه یا اصولیه اشتغال پیدا کنید و اوقات عزیز را در علوم فلسفه ضائع و برباد نکنید. اما حسب اصرار شما بعد فراغ نماز صبح می توانم چند دقیقه خود را فارغ نمایم برای مجسطی یا افق المبین و جمع هر دو برای من از ضیق وقت میسر نیست، یکی ازین هر دو، و آنچه مرغوب باشد. إن شاء الله از فردا بیاورید. والسلام.

سید محمد تقی عفی عنه

[نامه دیگری از ممتاز العلماء به میر حامد حسین]

فضائل مآب مولوی سید حامد حسین صاحب (سلمه الله).

بعد سلام مسنون و واضح و لایح [باد] که مولوی سید محمد حسین صاحب فاضل شاگرد رشید و معتمد احقر هستند بدون مراجعه به نحیف... نمی نویسند. و نحیف بعد غور و تعمق و ملاحظه دستخط و مهر می کند (ظ) پس عمل برای... إن شاء الله بی عیب است.

اما امر ثانی پس فعلاً از عدم مکنیت و قدرت معذور هستم... وجه قلیلی که به شما می رسد قبول کنید إن شاء الله بعد از این حین الإمكان اضافه... خواهد شد. والسلام خیر ختام.

سید محمد تقی عفی عنه. سنه ۱۲۸۰ ق

[نامه سلطان العلماء به ممتاز العلماء]

نور چشم من ممتاز العلماء (سلمه الله).

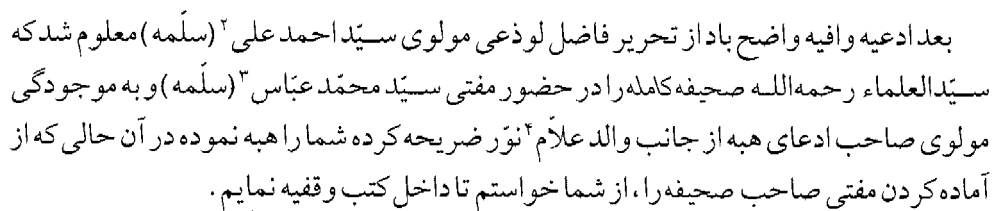
رادر اوراق الذهب اینگونه توصیف کرده: وهو بنعمة الله كتاب جليل الشأن، عظيم فضائل مولانا أمير المؤمنين وقائد الفرّ المججلين، بروایات الخصام يصلح للإلزام. وذكّرت فيه مطاعنهم بنط عجب ونسق لطيف، وضمت إليه كلّ حكاية طارفة ومغضب لهؤلاء الأقباب، وكنت أؤلف منه قدراً صالحاً كل يوم على استيعال في كثرة أشغال، حتى أشتكى اللثوب التي كثرة وبعدت عليه فراسخه. سید مهدی رضوی عظیم آبادی در

تذکره العلماء، ص ۴۶ در باره روح القرآن نوشته است: مشتمل بر آیات قرآنی که بر وفق روایات اهل سنت در شان حضرت امیر المؤمنین و باقی ائمه معصومین - صلوات الله علیهم أجمعین - نازل شده، و لطائف و اشعار و مضامین افکار ابتکار و تعریضات بر مخالفین در آن بسیار است.

این کتاب سه بار در حیات مفتی محمد عباس در هند به نام روائع القرآن به چاپ رسیده است. ۱. لکهنو ۱۲۷۷؛ ۲. الجعفریه، لکهنو ۱۲۷۸؛ ۳. لکهنو ۱۳۰۶. (حرکة التألیف، ص ۳۹۰) و نسخه ای از آن در کتابخانه زنگی پور به شماره (۷۳) و راجه محمود آباد لکهنو (۲۲) سیرت و مناقب، و دانشگاه علیگره شماره (۵/۱۱/۲۹۷) (فهرست المخطوطات العربیة بجامعة علیگره الإسلامیة، ص ۳۳۳) و تصویری از همین نسخه در مرکز میکرو فیلم نور - دهلی نو به شماره ۱۲۷۲ موجود است. ۲. یعنی سید احمد علی محمد آبادی م

۱۲۹۵ از تلامذه سید دلدار علی.





والعجب ثم العجب انسان بر کدام کس اعتماد نماید .

مختصر، مولوی صاحب ثقہ معتمدند، بنابر شہادت ایشان صحیفہ را پس دادم.

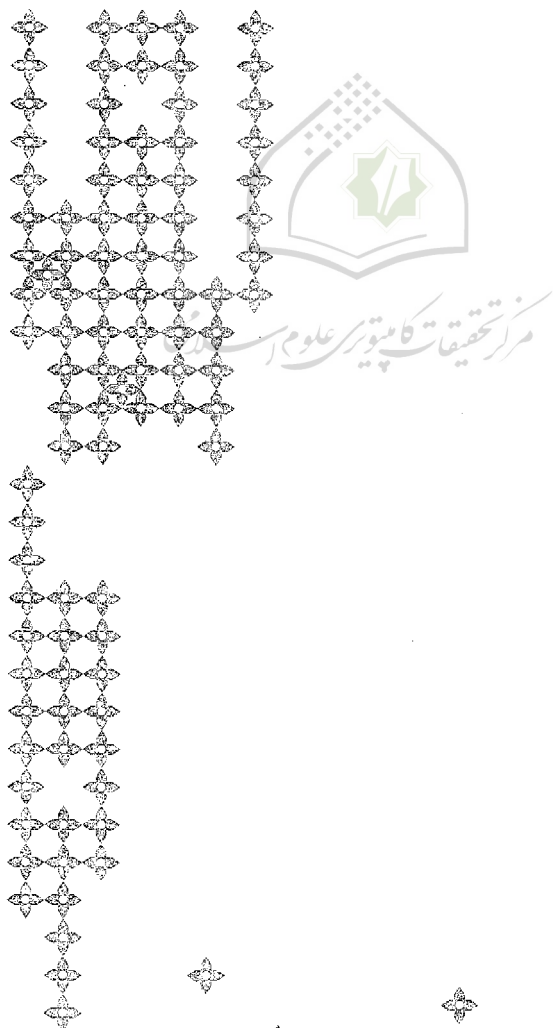
این نعمت جلیل به شما مبارک شود. والدعا^۵.

۳. یعنی مفتی محمد عباس جزائری م
۱۳۰۶. ۱۳۳۱.

۱۳۰۶. یعنی سید دلدار علی م ۱۳۳۱.
۴. قاعدتا این صحیفه همان صحیفه‌ای
است که به خط شهید اول و جزو
کتابخانه ممتاز العلماء بوده و به تازگی
به صورت نسخه برگردان فاکسمیل
توسط دکتر مهدی خواجه پیری منتشر
شده است.
۵. زین‌الدین پیران کتاب قصه

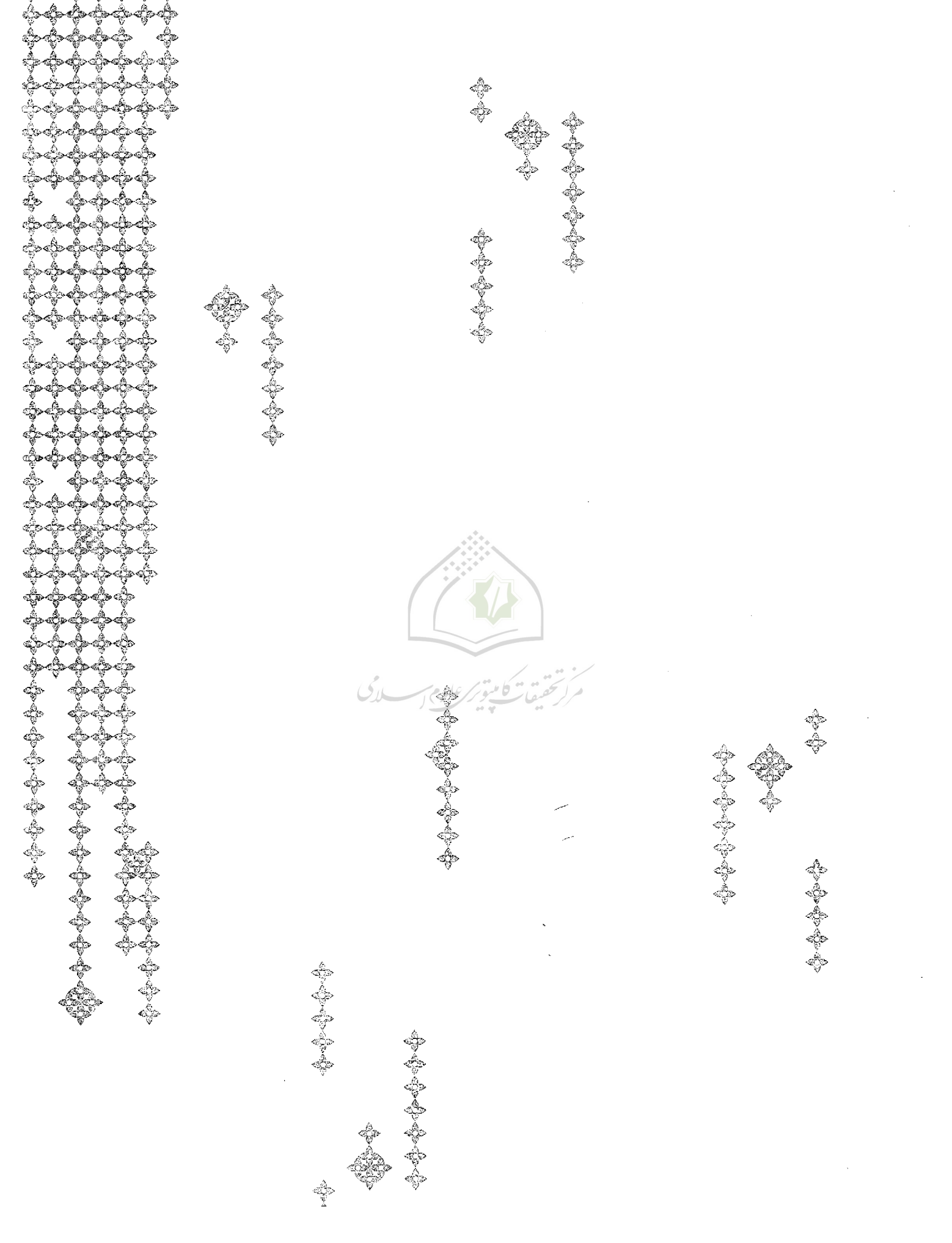
توسط دفتر
شده است.
مؤلف آئینه حق نامدر بیان کتاب قصه
خرید این نسخه را توسط سید دلدار علی
ذکر نموده و آن را اجز و کرامات وی و
معجزات الهی معصومین دانسته، و اینک
تألیف حق ناما؛
فیه کامله

معجزات آنمه
نص عبارت آئینه حق نما؛
شخص کتاب فروش يك نسخه صحیفه كامله
را نزد اكثر مردمان برای فروش آورد، لكن
چون خوش خط نبوده و آثار كهنگی از آن
ظاهر كسی متفاوت آن نشد، تا اینکه نزد
جناب شیخ هم بردند. از آنجا كه باریك بینی
امری مشکل است و مردم ظاهر بین اند، چون
ظاهر خط آن مثل خط حادّ و تجرّیز نبود،
شیخ اراده اشتراکی آن فرمود و حق سبحانه
عزّ شأنه به مقتضای **اللّٰهُ اَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ**
رِسَالَتَهُ چنان صرف قلب شیخ از آن فرمود
كه بر خوبی آن مطلع نگشت. آخر الامر آن
صحیفه را نزد جناب سید - دام ظلّه - آوردند.
چون به نظر حقیقت بین در آن نعمای الهی
فرمود دید كه این صحیفه از نعمای فرموده
است كه آن جناب را به آن سرفراز فرموده؛
چه آن نسخه به خطّ جناب شهید اول شیخ
شمس الدین محمّد مكی رحمته بوده، و شواهد
و ادله بسیار بر آن یافته شد؛ چنانچه هرگاه
مقابلۀ آن با نسخه صحیفه دیگر - و آن نقل
سالك در كتابخانه آن جناب بوده، و آن نقل
صحیفه شهید است - چون با آن مقابلۀ کرده
شد لفظاً بلفظ مطابق گردید... كه مجال ريب
شك در آن نماند.



کتاب شیعہ ۱۱۱
سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹

مکتبہ ریاضی از تعلیمی امامیہ ہند،
[اسناد، مکتبہ ریاضی و تصویبات]



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی